

در آمریکا و اروپای امروز

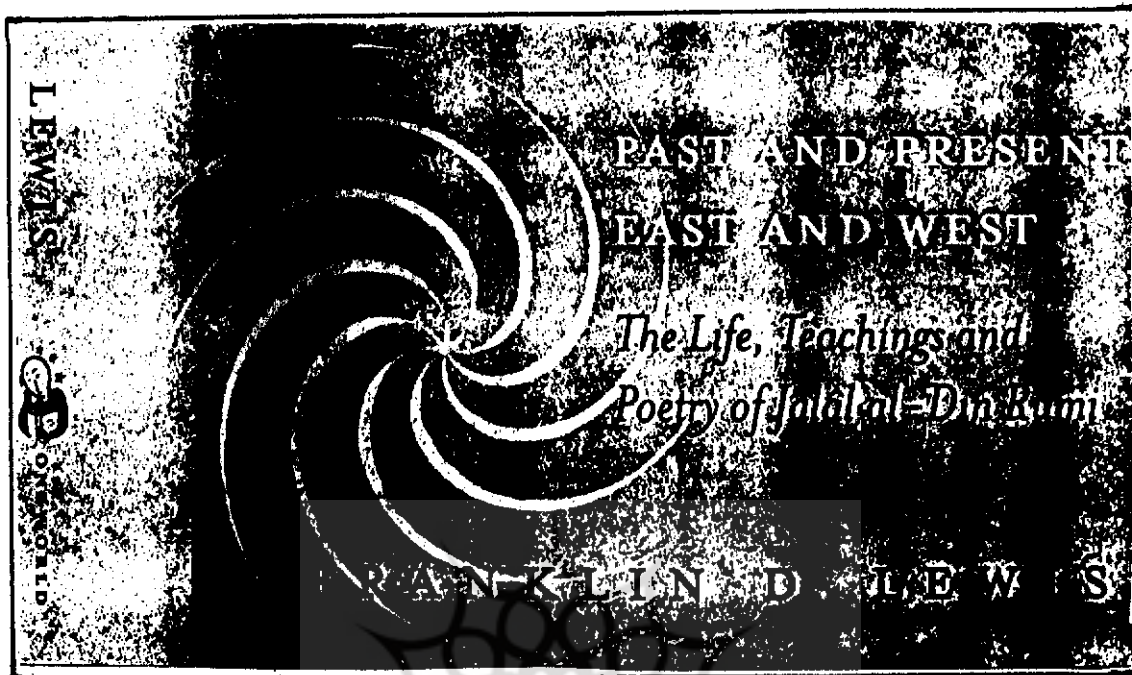
کتاب تازه‌ای که تازگی، به لطف دوست دانشمندم جناب آقای دکتر محمود معلمیان از آمریکا به دستم رسید، تألیفی است هفتصد صفحه‌ای اثر فرانکلین دی. لوئیس (Franklin D. Lewis)، دارای درجه دکترای ادبیات فارسی و استادیار گروه مطالعات خاورمیانه دانشگاه اموری (Emory University) اتلانتای ایالت جورجیای آمریکا. دانشگاه اموری، گرچه در ایران معروف نیست، دانشگاه معتبری است که «مالک کوکاکولا ثروت بیکران ستاره شمار خود را به این دانشگاه بخشش (وقف) کرده است.»^۱ و لابد بخشی از همین ثروت بیکران است که صرف اداره کردن بخش مطالعات خاورمیانه آن می‌شود و ایران‌شناسی و تدریس زبان فارسی ما هم قسمتی از آن است.

و اما فرانکلین دی. لوئیس در ایران چندان مشهور نیست؛ دکترای ادبیات فارسی دارد و رساله دکتریش را درباره سنایی غزنوی ما نوشته است. وی اکنون در دانشگاه «اموری» زبان فارسی تدریس می‌کند. «جوان است و هوشمند، ادبیات شناس زبان ماست، پرخوان و بسیار دان است... شاگرد حشمت موید بوده است. خوب درس خوانده است. از کلامش و اطلاعاتش

۱- ایرج افشار، تازه‌ها و پاره‌های ایرانشناسی (۶)، بخارا، ش ۱۰ و ۱۱، اسفند ۷۸، ص ۹۳.

کتاب او به نام رومی، گذشته و حال، شرق و غرب، زندگی، تعالیم و شعر جلال‌الدین رومی^۲ امسال (۲۰۰۰) منتشر شده است و ناشرش انتشارات «وان ورلد» (One world) آکسفورد انگلستان است که در واشنگتن هم شعبه دارد و امیدوارم توفیق ترجمه‌اش را برای انتشار در ایران پیدا کنم.

آنچه تا به حال دربارهٔ نفوذ مولانا جلال‌الدین در میان مردم دنیا خوانده بودیم، همگی تحقیقات ارزندهٔ ادبی و عرفانی و تاریخی بود که علاوه بر مولوی شناسان و ادیبان ایران زمین، به کوشش خاورشناسان و ایران‌شناسان مولوی دوست اروپایی صورت گرفته است که نیکلسون، آربری، شیمل و ویلیام چیتیک در آمریکا در شمار آخرین آنها قرار دارند. از آنچه که در این سال‌ها در بین عامهٔ مردم آمریکا دربارهٔ مولانا جلال‌الدین بلخی روی داده است - به سبب قطع روابط - کمتر خبر دقیقی یافته‌ایم؛ جز آنکه می‌دانیم که اشعار او از پر فروش‌ترین کتابهای آمریکا شده است. اهمیت مقاله‌ای که در زیر مطالعه خواهید فرمود از آن جهت است که، گرچه خلاصه‌وار، اقداماتی را بر می‌شمارد که منجر به شهرت گستردهٔ مولانا جلال‌الدین در آمریکا شده است. این مقاله در حقیقت صفحات نخست مقدمهٔ دکتر لورئیس است که ترجمه‌اش را برای اطلاع خوانندگان دانشمند بخارای آقای دهباشی غایب از نظر تقدیم می‌دارم چون حاوی اطلاعات نسبتاً جدیدی است دربارهٔ شهرت اخیر مولانا در بین مردم آمریکا و شیوه ایجاد این معروفیت که البته گاهی موجب تأسف فراوان می‌شود، بخصوص وقتی که می‌بینیم سخنان ملکوتی عارف بزرگ ایران زمین، از برکت ترجمه‌های پرانحراف، ورد زبان قَلْبَان‌های بازار پررواج هم جنس بازی در آمریکا شده است و نویسندگانشان، با نهایت وقاحت، بخود اجازه می‌دهند تا در مقالات اشاعه دهندهٔ هم جنس بازی به آنها استناد کنند و در تأیید حرکات سخیف و تمایلات کثیف خود از آن سخنان آسمانی مقاله و کتاب بسازند و روابط عارفانهٔ مرید و مرادی را از سنخ عشق‌ورزی‌های توأم با گند و کثافت خود پندارند و عالی‌ترین مضامین عشق پاک الهی و نودوستی را تا حدّ معاشقه‌های جنسی، آنهم از نوع سرمایه‌داری آمریکایی آن، تنزّل دهند. متأسفانه، عاشقان مکتب همجنس پرستی، مردان نرینه جو و زنان مادینه خواه، از زبان مترجمان شاعر مسلک آمریکایی شعر «رومی» را هم مذاق خود یافته‌اند. امروز، به جای مراکز



علمی و دانشگاهی، افرادی متولی معرفی مولانا جلال الدین بلخی به عامه مردم آمریکا شده‌اند که کوچکترین آشنایی با ادب فارسی ندارند، عرفان اسلامی و ایرانی ما را نمی‌شناسند، حتی الفبای زبان فارسی و عربی را نمی‌دانند چه رسد به شعر مولوی و حدیث و قرآن.

جمعی دیگر از این آمریکائیان سینه چاک مولوی از راه فروش ترجمه‌های آهنگین و موزیکال راک آمریکایی پسند مال و منال گرد می‌کنند و سی دی این آهنگهاست که صد هزار صد هزار بفروش می‌رسد. در ترکیه، برای رواج گردشگری و وارد کردن ارز و پیشرفت اقتصاد کشور، گروه‌هایی را به اسم‌هایی چون «درویشان چرخ زن» یا «رقاصان و نوازندگان عارفانه سرا» به اطراف و اکناف دنیا می‌فرستند تا به اجرای برنامه‌های درآمدا پردازند و نیز سیاحان بی‌خبر را به سوی آرامگاه مولانا کشند و از این قیل کاسبی کنند. بیچاره مولانا و مثنوی و دیوان شمس! بگذریم، که سخن در این باره بسیارست. اما درباره ترجمه این مقاله دکتر لوئیس سه نکته را باید به عرض برسانم: یکی اینکه لقب «رومی» را، در سراسر ترجمه، همچنانکه در آمریکا معروف شده است، برخلاف علاقه قلبی خودم، حفظ کردم و واضح است که مراد مولانا جلال الدین بلخی است. دیگر آنکه، مجبور شدم بسیاری از نام‌های خاص مربوط به مقالات و کتابها و امثال آن را به فارسی ترجمه کنم. استادان فن ترجمه نیک می‌دانند که ترجمه اینگونه عناوین بدون مطالعه اصل کتاب و مقاله نباید صورت گیرد، زیرا احتمال خطا در آن می‌رود. اینست که

پیش پیش استدعای بخشش دارم، البته آن قدر هست که بتوان راه به دیهی برد. و نکته آخر اینکه اصل تمام اسم‌ها را - چه آنهایی که ترجمه شده و چه آنهایی که به صورت آوا نویسی فارسی آمده است - همه را در داخل پرانتز آورده‌ام تا آشنایان به زبان انگلیسی را فایده‌تی بیشتر رسد.

حسن لاهوتی

فرانک. دی لوئیس

اشعار جلال الدین رومی، چنانکه نشریه کریسچین ساینس مانیتور (*Christian Science Monitor*) اخیراً اعلام کرده است (مقاله پشت جلد، به قلم الکساندرا مارکس، Alexandra Marks، ۲۵ نوامبر ۱۹۹۷)، در ایالات متحده آمریکا به صورت پرفروش‌ترین کتاب شعر در آمده است. حاضران در جلسات شعرخوانی رومی، که اغلب با ترنم موسیقی زنده و با صدای کالمن بارکس (Coleman Barks) همراه است با شور و شوق نسبت به اشعار رومی ابراز احساسات می‌کنند - و کالمن بارکس بیش از هر فرد دیگری موجب شهرت امروز رومی (در آمریکا) شده است. کتاب او به نام رومی روشن ضمیر

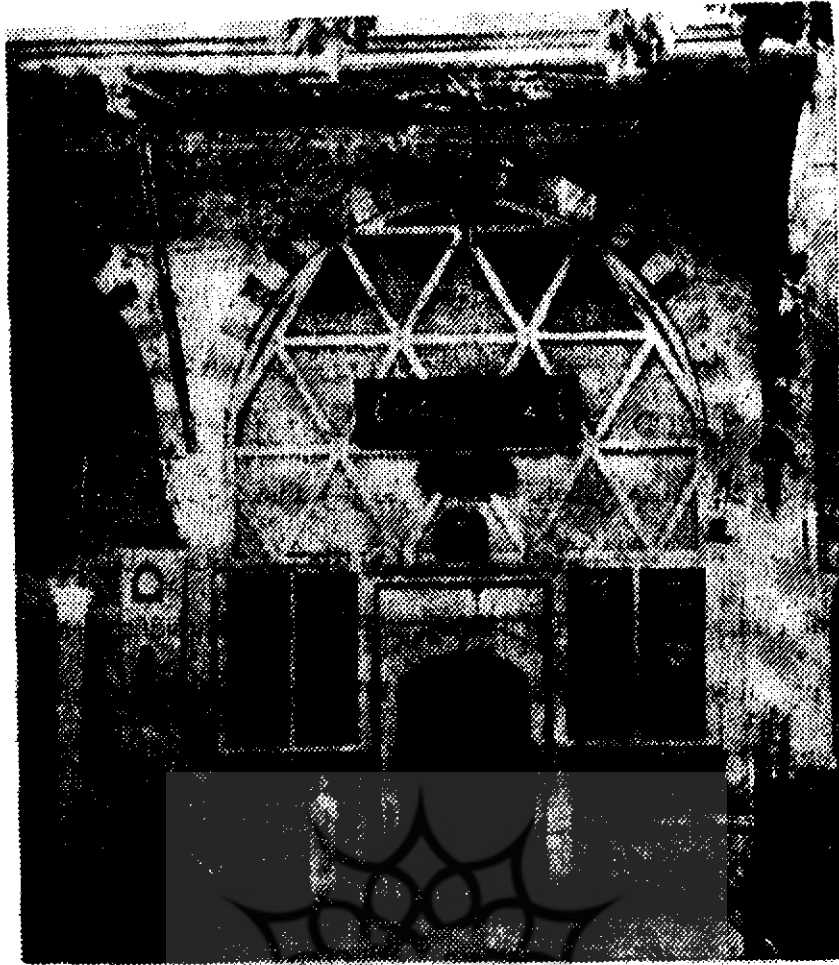
(*The Illuminated Rumi* (New York: Broadway Books, 1997) مجموعه‌ای است از ترجمه‌ها و تصاویر الهامی به شیوه کتابهای مناسب میز قهوه‌خوری، که اکثر روزنامه‌های پرخواننده آمریکا آن را به خوانندگان خود توصیه می‌کنند.

(Deirdre Schwiesow, *U. S. A. Today*, November 3, 1997, D8).

شیفتگان مکتب تصوف، کاملان دنیای معنوی عصر جدید، و آنان که عارفانه روی بادین دارند، همگی رومی را به نام یکی از بزرگ آموزگاران روحانی دنیا احترام می‌نهند. افزون بر این، رومی به فرهنگ عامه مردم آمریکا نیز پا نهاده است، چنانکه در کنار کتاب‌های موجد اتکاء به نفس و تقویت قوای فردی، مانند کتاب استفن کاوی (Stephen Covey) به نام *عادات هفت گانه افراد بسیار کارآمد* (*Seven Habits of Highly Effective People*)، مسافران ماشین عالم معنا، امروز، چون پس از پایان کار سخت روزانه به خانه باز می‌گردند و در ترافیک خیابان‌ها پشت چراغ قرمز درون ماشین خود نشسته‌اند، با کتاب‌های شنیداری حاوی اشعار جلال‌الدین خستگی را از خود دور می‌کنند

(William Davis, *Boston Globe*), March 30, 1998, C1).

در خیابان لافایت (Lafayette) نیویورک سیتی (New York City)، مشتریان مرکز یوگای جیوا موکتی (Jivamukti Yoga Centre) که تعدادشان در هر روز به حدود چهارصد نفر می‌رسد



● مزار مولانا جلال‌الدین رومی در قونیه

و از آن جمله‌اند افراد سرشناسی چون مری استوارت مسترسان (Mary Stuart Masterson) و سارا جسیکا پارکر (Sara Jessica Parker)، همراه کوبه طبل آهنگ‌هایی که در فضا می‌پیچد و گاهی با موسیقی راک و خواندن شعرهای رومی مخلوط می‌شود، به تمرینات بدنی توام با استنشاقات روحانی می‌پردازند

(Penelope Green, *New York Times*, March, 1998, Sec. 91).

در این احوال، خانم رابین بیکر (Robin Becker) و گروه رقص او، با الهام از سنت درویشان چرخ‌زن، تا به حال، دو برنامه رقص حامل داستان اجرا کرده‌اند - یکی به نام «شب» (Night) مخصوص رقص یک نفره و دیگری به نام «آستانه‌ها» (Doorways) مخصوص رقص پنج نفره - که بخشی بود از برنامه‌ای موسوم به «رقص‌هایی از رومی» (Dances From Rumi) و مقبول نظر تماشاگران نمایشخانه پلی‌هوس ۹۱ (Playhouse 91) قرار گرفت

(Jack Anderson, *New York Times*, December 12, 1994, C 18).

در دسامبر ۱۹۹۴، انتشارات پیر و کتابهای صوفیانه (Pir Publications and Sufi Books)، به مناسبت هفتصد و پنجاهمین سال دیدار رومی با شمس، کالمن بارکس (Coleman Barks)، رابرت بلائی (Robert Bly) و زلیخای رقا ص را همراه با نوازندگان عضو پل وینترکانسرت (Paul Winter Consort)، در باشگاه سنفونی مَنهَتَن (Manhattan's Symphony Space) گرد هم آورد.

گروه نوازندگان از جمله رومی، پندلیت، و جیمز گابریل (James Gabriel) از نوازندگان عمده آن رابی راب (Robi Rab) آوازه خوان از گروه «قبیله در قبیله» (Tribe After Tribe)، نوازندهٔ طبلش ریچارد استیونز (Richard Stevenhagen)، و جیمز گابریل (James Gabriel) از گروه «بدیهه نوازان مروان» (Pearl Jam) هستند. نام خود را از تمثیل سه ماهی مثنوی معنوی رومی (ابیات ۲۲۰۲ به بعد دفتر ۲) گرفته‌اند. این گروه «سه ماهیان» با استفاده از اشعار غنایی ریلکه (Rilke)، لورکا (Lorca) و رومی، در ماه ژوئن سال ۱۹۹۶ یک سی دی (CD) تولید کردند که نامش را از همان داستان مثنوی اقتباس کرده‌اند و از نظر موضوع براساس همان حکایت مأخوذ از مثنوی تنظیم شده است: «ماهی عاقل، نیم عاقل و ابله»

«The Intelligent Fish,» and «The Half Intelligent Fish and Stupidfish» (Mark Jenkins, *Washington Post*, July 14, 1996) and <http://www.sufismund.com/artists/PearsJamchords/framex.html>, the Pearl Jam website, under «Other Projects»).

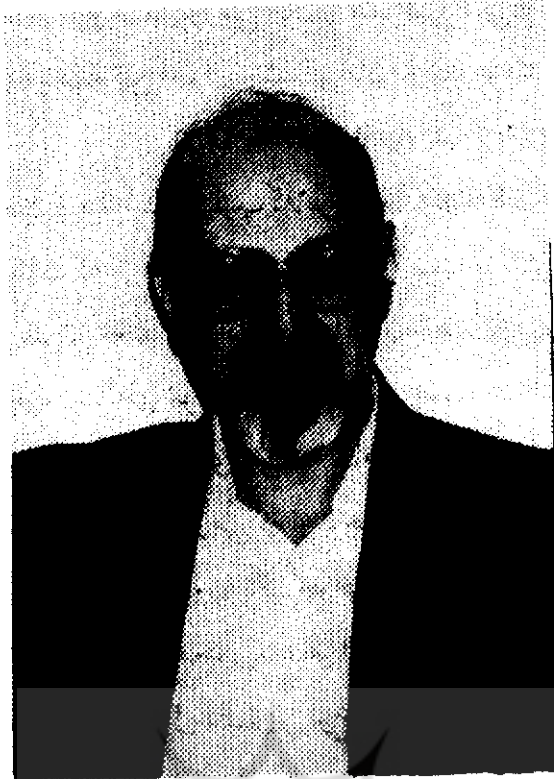
جنگ‌های شعری که روی سخن با سخن می‌شود، شناسایی دارند که تشنهٔ نوعی دین نهادینه نشده یا نوعی روحانیت و معنویت غیر مبتنی هستند، اغلب، رومی را در جمع دیگر رازبین‌ها، شاعران، و دیده‌وران می‌آورند. دیوید هالپرن (David Halpern) که خود شاعر است، اشعار رومی را در کنار اشعار دیگر شاعران اهل معنا، چون بلیک (Blake) و ریلکه (Rilke) در جنگ شعر خود نهاده است؛ نام این جنگ آتش مقدس: نه شاعر رازبین و رازگشایی خواهی است (Holy Fire: Nine Visionary Poets and the Quest for Enlightenment, New York; Harper Perennial, 1994).

رابرت برزن (Robert Barzan) در مقاله‌ای به نام «هم جنس خواهی و معنویت: رومی و صوفیان»

(Homoeroticism and Spirituality: Rumi and the Sufis)

توجه هم جنس بازان را به حکایت رومی معطوف داشته و آن را در کتاب سکس و روح، کشف نکات روحانی در هم جنس بازان، که خود ویراستار آن است، جای داده است (Sex and Spirit: Exploring GayMen's Spirituality; San Francisco: White Crane Press, 1995).

بری والترز (Barry Walters) در نشریهٔ ادوکیٹ (The Advocate: طرفدار)، که نشریه‌ای است مربوط به هم جنس بازی و در لوس آنجلس به چاپ می‌رسد، ادعا می‌کند که دانشمندان مسلمان کوشیده‌اند تا از «احتمال روابط هم جنس طلبی» بین رومی و شمس‌الدین تبریزی اعتنا بگذرند و یا آن را پوشیده بدانند



■ حسن لاهوتی

(«Music Heart Beats» و The Advocate, September, 1, 1998, 54).

ترجمه اشعار رومی در *جنگ سم همیل* (Sam Hamill) نیز رخ نموده است؛ نام این *جنگ روح شهوتی: شعرهای مربوط به لذت جنسی، عشق و آرزومندی است*

(*The Erotic Spirit: Poems of Sensuality, Love, and Longing*), Boston: Shambala, 1996).

در حالیکه رومی در جمع (شاعران نوپردازی چون) بیتس (Yeats) و گینزبرگ (Ginsberg) اندکی خارج از موضع خود به چشم می آید^۱ و در حالیکه او را بر اثر سوء فهم شدید شاعر عشق جنسی (چه هم جنس بازی و چه عشق به جنس مخالف) پنداشته‌اند، دیدن رومی در قلمرو فعالیت طراحان و دوزندگان لباس‌های زنانه فاخر و مدروز واقعاً در تصور هیچ ساده لوحی نمی‌گنجد. اما مانکن‌هایی که در نمایشگاه لباس دنا کَرَن (Donna Karan) به پارچه‌های جدید مشکی رنگ، ذغال سنگی و پلاتین فام (خاکستری ملایم) مُد پائیزی آراسته بودند، جست و خیزکنان (چنانکه شیوه مانکن‌های لباس است) از باریکه راه خود در حالی می‌گذشتند که [نوی شعر و موسیقی، یعنی] روایت‌های تازه و موزیکال مرشد هندوی برنامه سلامتی،^۲ آقای دی

۱- در آثار این نوپردازان شعرهای موافق مزاج هم جنس بازان هم وجود دارد - مترجم

۲- منظور پخش نوارهایی است که آقای چوپرای هندی پزشک در اجرای جنبش سلامتی خود در آمریکا

پک چوپرا (Deepak Chopra)، از اشعار رومی آنان را همراهی می‌کرد، مدونا (madonna) و دمی مور (Demi Moore) در همه این احوال چشم بر آنان دوخته بودند

(Robin Givan, *Washington Post*, April 6, 1998, D 1).

با این حال، نباید تعجب کرد از اینکه فیلیپ گلاس (Philip Glass)، آهنگساز آمریکایی معتقد به استفاده از حداقل امکانات که از فعالان مذهب بودایی است و پیش از این، اپراهایی را به انیشتین، گاندی و تورات عبرانی اختصاص داده بود، اکنون با همکاری رابرت ویلسون (Robert Wilson) قطعه‌ای بسازد چند رسانه‌ای موسوم به *اعاجیب رحمت* (Monsters of Grace, version 1.0) که با برنامه‌ای مستلزم عینک سه بُعدی بین به اتمام می‌رسد و قسمت مشخص آن اشعاری است به شیوهٔ اپرا، برگرفته از ۱۱۴ شعر رومی که از ترجمه‌های کالمن بارکس (Coleman Barks) برداشته شده است. هر چند که این قطعه با تک خوانی ملایم خواننده‌ای شروع می‌شود که به آواز می‌گوید «بر ماندن این ترانه‌ها غم مخورید»، اما این حادثه هزار بارهٔ عجیب، در نهایت امر، رومی را در این امروزی‌ترین و تکنولوژیکال‌ترین نوع رسانه‌ها ماندگاری می‌بخشد.

در همین حال، در ترکیه، درویشان معروف به چرخ‌زن، بازماندگان و شاگردان مکتب اخوت روحانی که رومی بنیان‌گزارش بود، و از زمانی که حکومت اتاتورک در سال ۱۹۲۵ سلسله‌های درویشان را غیرقانونی اعلام کرد، نامشان به صورت رقصنده در آگهی‌ها می‌آید، علاقه‌گرددشگران همهٔ عالم را به خود جلب می‌کنند، و بین ترکیهٔ غیرمذهبی امروز و میراث مذهبی عثمانی در گذشته‌اش پیوندی نشانه‌وار و سمبولیک برقرار می‌سازند. در سال ۱۹۹۹، پرچم‌های قرمز یادآور هفتاد و پنجمین سال تأسیس جمهوری ترکیه، که همه جا به چشم می‌خورد، برفراز ساختمان‌های دولتی و جاذبه‌های گردشگری و از جمله در جلو آرامگاه رومی آویزان شد.

گروه‌های بین‌المللی فیلمبرداری برای ساختن فیلم‌ها و برنامه‌های مستند از جمع رقصندگان و نوازندگان مولویه به ترکیه رفتند و این برنامه‌ها را از تلویزیون‌های فرانسه و بریتانیا پخش کردند. خود این جمع رقصندگان و نوازندگان مولویه، در طی ده سال گذشته، چندین دور، به سراسر اروپا و ایالات متحده آمریکا سفر کرده و در طول سفر چندین جا در استودیوهای ضبط حضور یافته‌اند. تازه‌ترین سفرهای این جمع از جمله به استرالیا صورت گرفت در سال ۱۹۹۶.

تهیه می‌کند و می‌فروشد و طرفداران فراوان در بین نسل جوان از عامه مردم آن دیار کسب کرده است. بسیاری از اشعار مولانا جلال‌الدین را همین آقای پزشک هندی به سلیقهٔ خود و موافق برنامه‌های جنبش سلامتی خود ترجمه می‌کند و آن را با موسیقی هندی حتی در می‌آمیزد و به خورد خلق خدا می‌دهد و خلاصه بازار گرمی پیدا کرده است. وی جنبش خود را معنوی و روحانی می‌داند و می‌خواهد با تمرینات

۱۱ خان - جسمانی و با استفاده از مکتب عرفان جامعه‌ای تندرست بوجود آورد.

R u m i

PAST AND PRESENT,
EAST AND WEST

The Life, Teaching and Poetry of Jalal al-Din Rumi



FRANKLIN D. LEWIS



که در آنجا برای تماشای مراسم سماع، چرخ زدن که دل را متوجه خدا می‌کند، و یا برنامه گروه عارفانه نوازان کشور ترکیه (Turkish State Mystical Music Ensemble)، بلیط‌های بیست تا سی دلاری فروخته شد. در سال ۱۹۹۴ که درویشان مولویه به اتلانتا آمدند، دو تن از مترجمان صاحب نام آثار رومی، کالمن بارکس (Coleman Barks) و رابرت بلائی (Robert Bly) در مراسم آنان شرکت کردند.

(Helen Smith, *Atlanta Journal - Constitution*, November, 6, 1994, N 5).

هنرپیشه بریتانیایی، خانم وایسا ردگریو (Vanessa Redgrave)، با همکاری گروه مولویه، گفتار فیلم تازه‌ای را ارائه داد که فهمی جزئی‌تر (Fehmi Gerceker) مدیر تهیه‌اش بود و موضوعش راجع به «پذیرفتن، ترغیب افراد بشر به محترم داشتن دین، شعائر و عقاید، و آرمان‌های مذهبی یکدیگر» بود که نامش را بردباری، تقدیم به مولانا جلال الدین گذاشته بودند (Tolerance: Dedicated to Mawlana Jalal al - Din).

(Falls Church, V A: Landmark Films, Prima Productions, 1995).

ریچارد بروکسیس (Richard Brookhiser)، از سردبیران ارشد نشنال ری ویو (National Review)، یکی از نشریات مهم آمریکایی دارای افکار سنتی، چند سال قبل مقبره رومی را در قونیه زیارت کرد، و به تأثیر از روح وحدت آفرین و طرز تفکر جهان بین و جان آگاه رومی به

سیاستمداران هشدار داد که خطاست اگر اسلام را خطری بدانند اصول گرا و دور از انعطاف. (3 - 62 [November 15, 1993]: 45, *National Review*, «Islamic Fundamentalism, Revisited».)
 واقعیت آنستکه هر خواننده حقیقت‌نگری که وقت صرف کند و کم‌دی الهی را با مثنوی، که نزدیک به دو برابر آن است، مقایسه کند، ناگزیر اذعان خواهد کرد که رومی، که نیم قرن قبل از دانته، مثنوی را سروده است، افکار وحدت‌آفرین‌تر و جهان‌بین‌تری را منعکس می‌سازد و از نظر ادراکات دینی بسیار ژرف‌بین‌تر و دارای وسعت نظر بسیار بیشتری است.

در جمهوری اسلامی ایران که از آرامگاه او خیلی دور نیست، رومی در میان وارثان امروز زبان و فرهنگ خود شهرت و محبوبیتی تازه یافته است. شرح‌های جدید، تحقیقات تازه، چاپ مجدد آثار او، گذشته از اینها، بخصوص برنامه‌های شعر خوانی و اجرای شعرهایش به آهنگ موسیقی، اهل خرد و عموم مردم ایران را شیفته او ساخته است. رومی نه تنها در چشم دانشمندان و ادب‌دوستان، بل که نزد طرفداران جامعه مدنی، همچون عبدالکریم سروش، فیلسوف شیعه، نیز دارای مقامی بزرگ است و از او به نام یکی از متقدمان و نمونه مسلمانان توأم با بردباری و جامعیت و وسعت نظر بیشتر سخن می‌گویند. اگرچه که انجمن‌های رومی هنوز به آن درجه از شهرتی نرسیده‌اند که باشگاه‌های عمر خیام روزگاری در شهرهای بزرگ بریتانیا و آمریکا یافته بود، اما گروه کوچک آمریکائیان غیر مسلمان مانند انجمن «عاشقان رومی» در کِرک‌لند (The Lovers of Rumi in Kirkland) از مضافات واشنگتن، هر چند هفته یک بار گرد هم می‌آیند و اشعار رومی را نیازمندان می‌خوانند و پس از آن، دست بر دعا، رقص درویشان می‌کنند، به آهنگ ترکی که اسباب شگفتی فراوان ایرانیان در آمریکاست (عبدالحسین آذرنگ، «و باز همچون شب رومی»، کلک، ش ۹۳ - ۸۹ [۱۳۷۶] ۳۵ - ۶۲۹). ایرانیانی که در قونیه به زیارت مقبره رومی می‌روند نیز از ترک‌ها و اروپایی‌ها که به زیارت آرامگاه او می‌آیند در شگفت می‌شوند (مهدی نفیسی، «در جست و جوی پای مولانا در قونیه»، ایران نامه، ۱۵، ۴ [پائیز ۱۳۷۶]: ۸ - ۶۴۷).

رومی که اشعارش، جاودانه‌اش ساخته، بیش از هفتصد سال است که در دل خوانندگان فارسی زبان آثار خود زنده مانده، از بسنی گرفته تا هند. با این حال، اندکی پس از مرگش به سال ۶۷۲ قمری، پرده‌ای از افسانه احوال واقعی زندگی او را در ابهام فرو برد، و روایت شرح زندگانش او را از بشری استثنایی و شگفت‌مبدل به چهره‌ای اسطوره‌ای و حتی رب النوعی کرد. هر چند که دانشمندان ایرانی، ترک و اروپایی در نیم قرن گذشته کوشیده‌اند تا سرگذشت تاریخی واقعی تر رومی بشر را دوباره به دست دهند، هیچ‌کس تا کنون متحمل آن نشده است تا در لابلای همه اطلاعات منتشر شده‌ای که درباره رومی در دسترس قرار دارد به تحقیقی دقیق و کامل دست یازد. بنابراین، از خلق دوباره سرگذشتنامه‌ای جامع حاوی همه جزئیاتی که می‌توان درباره رومی دانست تا اندازه‌ای دور مانده‌ایم.